

بازگونی مفهوم یک نماد (بررسی کهن‌الگوی مار در ایران و سرزمین‌های همجوار)

صدرالدین طاهری*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۳۱)

چکیده

این نوشتار تلاش دارد با نگاهی بر اساطیر و باورها و نیز نقش‌مایه‌های به‌جای مانده بر روی آثار هنری، بازتابی کهن‌الگوی مار را در هنر ایران و سرزمین‌های همجوارش (میان‌رودان، مصر، هند و یونان باستان) از آغاز تا هزاره نخست پ.م پیگیری کند و در این راه با پژوهشی تطبیقی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و موزه‌ای، به پی‌جویی ارتباط میان این فرهنگ‌ها بپردازد. به نظر می‌رسد مفهوم بن‌مایه مار در این سرزمین‌ها طی چند هزار سال دگرگون و حتی یاوگوتنه شده است. از این رو بررسی این انگاره، برای آگاهی از چگونگی تغییر رویکرد انسان به نمادهایش در گذر زمان ضروری به نظر می‌رسد. مار که در هنر پیشاتاریخی این سرزمین‌ها نقشی ایزدی، بارورکننده، شگون‌مند و حفاظت‌گر دارد و نگاهبان آب‌ها و دارایی‌ها است، در اندیشه مردمان هزاره نخست پ.م و پس از رواج ادیان تاریخی سامی و آریایی به تدریج به نیروی اهریمنی تپاه‌کننده می‌پیوندد. نگارنده با کاوش در اسناد تاریخی، این جایگزینی را به سبب تبدیل ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در جامعه ساکن در این سامان می‌داند. برای یافتن مفاهیم پنهان در پس کهن‌الگوی مار به نقش این جانور بر روی آثار بازمانده از خاور کهن پرداخته و سپس به یاری نوشتارها و اساطیر، معنای این بن‌مایه بازخوانی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

مار، ناگا، اژی، واجت، مدوسا.

مقدمه

گاهی نیز مار به سان نگهبان به دور درخت مقدس یا گرد عصای خدایان پیچیده است. بررسی تطبیقی نقش مار و نزدیکی آن با خدای بانوان باروری می‌تواند راهکاری برای یافتن ارتباطات کهن میان این تمدن‌های باستانی باشد و تأثیراتی که بر مذهب و باورهای یکدیگر نهاده‌اند، پی‌جویی تغییرات بتیادیتی که طی هزاره‌ها در فهم این کهن‌الگو رخ داده نشانی است بر پایدار نبودن نمادها و امکان دگرگونه شدن معانی آنها.

مار در تمدن‌های پیش از تاریخ با باروری هم‌بسته بوده است. پیکره بسیاری از ایزدبانوان برکت‌خیزی، با ماری پیچیده به دور بدن یا در دستان آنها ساخته شده و تصویر این نماد بر صخره‌ها، دروازه‌ها و ظرف‌ها، نشان از جایگاه ویژه مار در اندیشه مردمان خاور باستان دارد. پوست‌اندازی سالانه مار برای مردمان جهان باستان، نشان بی‌مرگی این موجود بوده و در بسیاری از فرهنگ‌ها، مار را هم‌بسته با داروها و درمان می‌دانسته‌اند.

۱. مار در اندیشه و هنر میان‌رودانی

پیموده به خواب می‌رود، مار از راه می‌رسد و گیاه را می‌بلعد. بنابراین زندگی جاوید نصیب مار و مرگ سهم انسان می‌گردد. بر ظرفی از سنگ صابون بازمانده از ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م که در خفاجه یافت شده، شخصی در میان دو شیر ماده ایستاده است و در هر دست خود ماری را نگه داشته است (تصویر ۳). در سوی دیگر، انسانی بر روی دو گاو نر نشسته و خط‌های موج‌نشانگر آب جاری را در دست گرفته است. به سبب ایستادن انسان مار به‌دست بر پشت شیر می‌توان او را خدای بانوی باروری و آب‌ها دانست، زیرا نمونه‌های بسیاری از ایستادن یا نشستن ایزدبانوان بر پشت شیر در هنر خاورمیانه باستان دیده می‌شود (طاهری، ۱۳۹۱، ۸۳). بودن گاوها و جریان آب این فرض را نیرو می‌بخشد. به دلیل همسانی‌های بسیار قتی و هنری، این ظرف را می‌توان از آثار جیرفت دانست که به دربار سومر فرستاده شده است. بر روی بسیاری از مهرهای میان‌رودانی با نقش خدای بانوان و مار روبرو می‌شویم. نقش این مهرها را در چهار بخش می‌توان دسته‌بندی کرد: ۱. انسان مارتن، ۲. انسان مار به دست، ۳. انسان نشسته یا ایستاده بر مار (تصویر ۴). بر روی مهری از تل اسمر بازمانده از ۲۳۰۰ پ.م، برخی از

از کهن‌ترین نمونه‌های ایزدبانوان با سر مار، پیکرک‌های دوره عبید (تصویر ۱) از هزاره پنجم و چهارم پ.م است. در اسطوره‌های آفرینش میان‌رودانی، خدایان آغازین با اندامی مارگون پدیدار می‌شوند. تیامت، اقیانوس آغازین آب‌های شور و نخستین مادر خدای آفریننده در اساطیر سومری، به سان ماری بزرگ جلوه‌گر می‌شود. اسطوره آفرینش بابلی «انومه‌الیش» اشاره دارد که فرزندان به شکل مار نیز از تیامت زاده می‌شوند (Thorkild, 1968, 104).

لخمو و لخامو، نخستین فرزندان تیامت بودند که از آن دو خدایان بعدی زاده شدند. آنان نیز ایزدانی هستند که گاه چون زوجی مارگون وصف می‌شوند (Jordan, 2002, 180). دیگر خدای مارگون میان‌رودانی، نین‌گیش‌زیدا، فرمانروای دنیای زیرزمین در اساطیر سومری است. تصویر او بر گلدان لاگاش از ۲۱۰۰ پ.م (تصویر ۲)، کهن‌ترین نمونه دو مار پیچیده دور یک محور به شمار می‌آید (Price, 1900, 47). نقشی که مار در داستان گیلگمش بازی می‌کند، نشان از باور مردمان میان‌رودان به نیروهای افسانه‌ای این موجود دارد. هنگامی که گیلگمش خسته از راه دشواری که برای یافتن گیاه زندگی



تصویر ۳- خفاجه.
ماخذ: (Collon, 1995, 69)



تصویر ۲- لاگاش.
ماخذ: (موزه لوور)



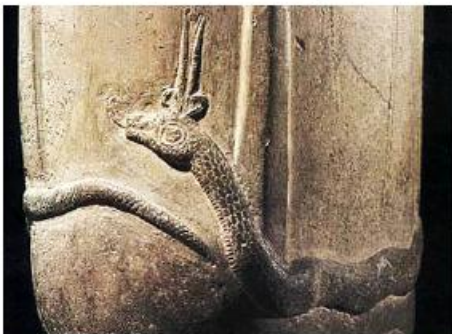
تصویر ۱- عبید.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

سبب یورش بیابان گردانی بوده که پس از پیروزی بر یکجانشینان و دست یافتن به سرزمین و پیشرفت‌های آنان، باورها و کیش‌ها و خدایان خود را رایج کرده‌اند؛ این دوران گذار را می‌توان با نشستن یک خدای نرینه به جای یک مادرخدای آغازین در جایگاه ریاست خاندان‌های ایزدی هم‌زمان دانست، برای نمونه جایگزینی مردوک با تیمات در میان‌رودان، هومبان با پی‌نی‌گیر در عیلام، سه مهاده (برهما، ویشنو، شیوا) با پریتیوی ماتار در هند، اورانوس با گایا در یونان و... (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۵).

از این رو شاید بتوان پیروزی نهایی مردوک بر تیمات مارگون را با کنار نهادن مادرخدایان و بخشیدن چهره‌ای اهریمنی به مار همبسته دانست. مهری نوآشوری از سده نهم پ.م این رخداد اساطیری را به تصویر کشیده (تصویر ۷).



تصویر ۵- اوروک.
ماخذ: (موزه برلین)



تصویر ۶- بابل.
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۷- آشور نو.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

خدایان سومری بر روی زورقی به سان مار ایستاده‌اند. این مهر شاید نشانگر داستان سیل بزرگ در اساطیر سومری باشد.

مهر دیگری از همین دوران، ایزدبانویی را نشان می‌دهد که دو مار را با دستان خود نگاه داشته است. بر یک مهر اکدی دیگر، ایزدبانویی که بر شیر ایستاده، با هر دست خود سه مار را گرفته است. یک مهر اکدی نیز انسان-ماری را در برابر سه خدای دیگر تصویر می‌کند که یکی از آنها بر پشت دو مار ایستاده است. مهر دیگری، دو ایزدبانوی نشسته در کنار درخت مقدس را همراه با مار نشان می‌دهد. بر روی یک مهر اکدی، با خدای مارتی روبرو می‌شویم که کلاه شاخ‌دار بر سر دارد، در برابرش آتشدانی نهاده‌اند، شاخه گیاهی به دست گرفته و پرستندگان روبروی او به نیایش ایستاده‌اند. ستاره هشت‌پر بالای آتشدان، گیاهی که در دست دارد و درختی که پشت سرش روییده ایزدبانو بودنش را نیرو می‌بخشد. نمونه‌های بسیاری از این گونه مهرها از دوره اکدی در دست است. شاید دارنده مهر بر این باور بوده که در پناه چنین نقشی، می‌تواند خود را از خشکسالی دور بدارد (بیانی، ۱۳۷۵، ۷۷).

مامی، ایزدبانوی بابلین نیز با مارهایی در دست یا تنیده به دور اندامش پدیدار می‌شده است. بر دیوارهای نیایشگاه ایزدبانو ایتانا در اوروک از ۱۴۰۰ پ.م، مارهایی در میان خدایان تصویر شده‌اند (تصویر ۵).

بر روی دو کودورو که از سده ۱۲ پ.م و دوره پادشاهی کاسیان در بابل باقی مانده نیز، نقش مار دیده می‌شود (تصویر ۶). بر روی یک لوح اوگاریتی از سده ۱۲ پ.م، استارته ایزدبانوی باروری بر روی شیری ایستاده و دو مار را در دستان خود نگاه داشته است. تغییر ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در پیش از تاریخ، گاه به



تصویر ۴- مهرهای اکدی.
ماخذ: (Frankfort.1955.478)

۲. مار در اندیشه و هنر مصری

از دوران پیش از سلسله‌ها در مصر، تندیس‌های زنانه‌ای با سر مارگون به دست آمده که شاید نشانگر ایزدبانوی مورد پرستش در آن دوران باشند، از جمله نمونه‌ای از نیمه دوم هزاره چهارم پ.م. در تبه معماریه (تصویر ۸).

بر اساس اسطوره‌های کیهان‌آفرینی مصری ابتدا در تاریکی اقیانوس بی‌کرانه‌ای از آب ساکن به نام نون وجود داشت. مصریان باستان همیشه از این بابت در هراس بودند که مبادا نون از آسمان به زمین سقوط کند. هنگامی که این زوال خدایان رخ دهد، تنها بازماندگان آن، آتوم و اوزیریس به شکل مار خواهند بود (ویو، ۱۳۸۱، ۸). مصریان در دوره پادشاهی میانه، کادش ایزدبانوی کنعانی را در دین خود پذیرفتند. او همواره ایستاده بر پشت شیر و با مارهایی در دست تصویر می‌شود (تصویر ۹).

در مصر، ایزدبانو رنه نوتت به صورت نیمه مار نیمه انسان ظاهر می‌شد (هال، ۱۳۸۰، ۹۸). او ایزدبانوی خوراک و خرمن بود که مصریان برای پریرکت شدن محصول کشاورزی نیایش می‌کردند (Pinch, 2003, 103). رنه نوتت را به‌سان زنی با سر مار تصویر می‌کردند. واجت (به‌معنای سبز قام یا به‌رنگ پاپیروس)، دیگر خدای بانوی مصر باستان بود که به‌سان ماری چتره‌زده بر روی تاج سرخ مصر

پایین قرار داشت (Erman, 1963, 268). او به عنوان پشتیبان دلتای نیل و سرزمین مصر پایین و نگهبان فرعون، برای دورانی دراز در مصر پرستیده شده است. آنها راه شیری را در آسمان نشانی از واجت می‌دانستند. او در کنار بسیاری از دیگر خدایان مصری چون هوروس و نخبت، تصویر شده است. نقش او در کنار نخبت، یکی از نامدارترین نمادهای مصری به نام چشم رع یا چشم هوروس را شکل می‌دهد.

یکی از نمادهای واجت اوراوس بود که به عنوان نشانی شاهانه بر تاج یا سیمپچه فرعون قرار می‌گرفت (تصویر ۱۰). همتشیتی این نماد با کرکس نخبت (نماد مصر بالا) نشانه پیوستگی دو بخش مصر است. نهب‌کا در دین مصریان باستان، مار دو سری بود که پس از مرگ از «کا» و «پا» (روان مردگان) پاسداری می‌کرد. او گاهی چون ماری دوسر و گاه با بال تصویر می‌شد (تصویر ۱۱).

مرت سه‌گر (به معنای کسی که سکوت را دوست دارد)، دیگر ایزدبانوی مارگون مصری بود (تصویر ۱۲) که از کارگران سازنده مقبره‌ها پشتیبانی می‌کرد (Hart, 2005, 91). دیگر ایزدبانوان مصری چون ایزیس و نفتیس نیز گاهی به‌سان مار تصویر می‌شدند. در دوران پادشاهی نو، داستانی ساخته شد درباره ماری سترگ به نام آپ که در جهان زیرزمین جای دارد. شب‌ها وقتی رع با زورقش خورشید را از افق پایین می‌برد، آپ به جدال با او برمی‌خاست



تصویر ۱۱- نهب‌کا.
ماخذ: (مصر، معبد کوم‌اوسبو)



تصویر ۹- کادش.
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۸- معماریه.
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۲- مرت سه‌گر.
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۰- واجت.
ماخذ: (موزه متروپولیتن)

این پیوند ایزدبانوی زمین زاده می‌شود (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). ایزدبانوی مار هندی، ماناسا که او را نیز پیش‌آرپایی می‌دانند، همانند بسیاری از دیگر خدای بانوان باستانی، اهداکننده باروری و حاصلخیزی است و با مارهایی در دست نمایان می‌شود (Dow-son, 2003, 196). برادر او واسوکی پادشاه ناگها و مار نابودگر شیوا است (Jones, 2007, 300).

سشا از دیگر ناگاهای نامدار است که تمام کیهان را با سرهای فراوانش به هم پیوسته نگاه داشته و با همه دهان‌هایش ویشنو را نیایش می‌کند (Jones, 2007, 300). او را به‌سان سریری تصویر می‌کنند که ویشنو بر آن در کنار لاکشمی آرمیده است. تبدیل مار به نیرویی اهریمنی، سرانجام در هند نیز رخ می‌دهد. در بهاگواود پورانا آمده ماری سترگ به نام کالیا در رود یمتا زندگی می‌کند که از زهرش هیچ جانور یا گیاهی در امان نیست. کریشنا (ویشنو) با این مار در می‌آویزد (تصویر ۱۶) و او را شکست می‌دهد (Coomaraswamy, 2001, 168).

با این وجود هندوان هنوز هم مار را در قالب نگهبان ارزش می‌نهند. تندپسی از سده ۱۲ م. بودا را در سایه ماری که بالای سر او چنبره زده در حال مراقبه نشان می‌دهد.

۴. مار در اندیشه و هنر اژهای و یونانی

مرکز زندگی دیتی میتوسی در مکان‌های مقدسی چون غارها و بیشه‌ها قرار داشت و خدایان بزرگشان زنانه بودند (جنسن، ۱۳۶۸، ۷۰). در کرت، مار نمادی بسیار شاخص بود و شواهدی از پرستش مار توسط مردمان کرت در دست است. ایزدبانوی بزرگ پشتیبان خانواده



تصویر ۱۴- دره سند.
ماخذ: (موزه ملی دهلی)



تصویر ۱۵- دو ناگا.
ماخذ: (هند، نیایشگاه هالیبیدو)

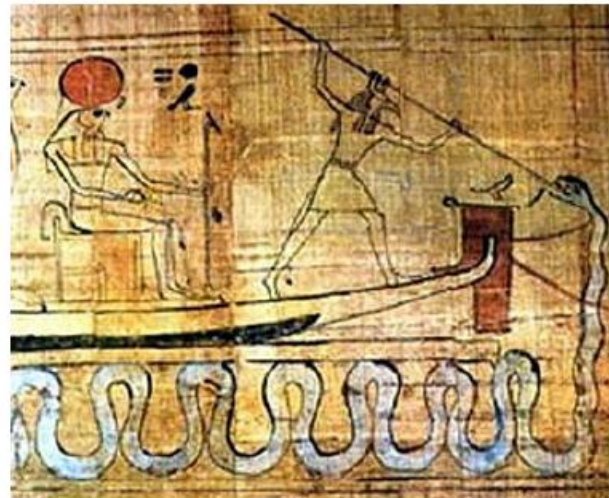


(تصویر ۱۳). این نبرد تا صبح‌گاه و برآمدن دوباره خورشید ادامه داشت. مصریان در آن زمان، سبب خورشیدگرفتگی را هجوم آپس در روز به قایق رع می‌دانستند (Assmann, 1995, 49). از آنجایی که مار پیش از آن همواره در اندیشه مصری جایگاهی مقدس و برکت‌بخش داشته، بر ساختن این داستان را می‌توان حاصل ارتباط مصریان با اقوام سامی یا آرپایی دانست که مار را موجودی اهریمنی می‌پنداشتند.

۳. مار در اندیشه و هنر هندی

ساکنان دراویدی دره سند در هزاره سوم پ.م. کشاورز بودند و ایزدانی را نیایش می‌کردند که به‌گونه‌ای با باروری و حاصلخیزی پیوند داشتند. آثار یافت‌شده از هاراپا و موهندوآرو نشان می‌دهد که آنان ایزدبانوی مادر را می‌پرستیده‌اند. از این شمار، مهرهایی است نشان‌دهنده رویش گیاه از رحم خدای بانو یا ایزدبانویی عریان که در برابر او انسان قربانی می‌کنند (ایونس، ۱۳۷۳، ۱۴). در برخی از پیکرک‌های یافت‌شده از دره ایندوس، با خدای بانوانی رو به رو می‌شویم که مارهایی پیچیده به دور بدن یا در دستانشان دارند. بر مهری که از هزاره دوم و سوم پ.م در دره ایندوس به دست آمده، خدا یا پهلوانی دیده می‌شود که دو مار بزرگ را در دستان خود نگه داشته است (تصویر ۱۴).

در میان بقایای سند، مهر خاصی وجود دارد که از سر دو مار ساخته شده و این رمز ویژه کهن‌ترین مردم تاریخی هند، یعنی ناگه‌های مارپرستی است که چون آرپایی‌های مهاجم به هند رسیدند، استان‌های شمالی را در تملک آنها یافتند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۹). آنها خدای ماری را که به صورت نیمه مار نیمه-انسان ظاهر می‌شود، پرستش می‌نمودند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۶). ناگا (زنانه: ناگای یا ناگینی)، در سانسکریت برای اشاره به مار و گاه مار کبرا به‌کار می‌رود (Elgood, 2000, 234). این نام در سراسر تاریخ اساطیری هندوان به چشم می‌خورد. دو ناگای به‌هم پیچیده (تصویر ۱۵)، مظهر آب‌های بارور شده هستند و از



تصویر ۱۳- آپس.
ماخذ: (Assmann, 1995, 49)

برخی از مردگان را زنده کرده است و زئوس از این بابت نگران است. مار با دختر او هوگیا یا ایزدبانوی داروها نیز همراه است (تصویر ۱۸). دیگر خدای یونانی هرمس نیز چوب‌دستی دارد به نام کادوسیوس که دو مار گرد آن پیچیده‌اند.

در افسانه یونانی کادموس، آرس خدای جنگ، مار مقدسی را به نهبانی از چشمه آب گمارده است. کادموس با او می‌جنگد و به پادفره این گناه، هشت سال با خدمتکاری برای آرس مجازات می‌شود (Wilkes, 1992, 90).

در اسطوره‌های هراکلس و جیسون به ماری به نام لادون بر می‌خوریم که در باغ هسپریدس نگهبان درخت سیب طلایی است (Kerenyi, 1959, 172). نگهبانی، از ویژگی‌های کهن ماران است که در این اسطوره‌ها نیز بدان مشغولند. اما اجبار قهرمان به جدال با مار از کم‌رنگ شدن جایگاه قدسی ماران خبر می‌دهد.

در این میان، مدوسا (که نام او نیز معنای نگهبان و محافظ دارد و به باور برخی پژوهشگران از ایزدبانوان کهن یونانی در هزاره دوم پ.م بوده)، شخصیتی کاملاً اهریمنی می‌یابد. بر سر این زن مارها چون گیسوانی رسته‌اند و با نگاهش هر چتبنده‌ای را به سنگ بدل می‌کند (تصویر ۱۹).

پایان داستان این شخصیت اسطوره‌ای زنانه، بریده شدن سرش به دست پهلوان مردی به نام پرسسیوس است. پروفسور گریوز، ریشه این داستان را یورش گروهی از هلنی‌های پدرمرکز به نیایشگاه ایزدبانوی مار می‌داند (Graves, 1955, 17).

۵. مار در اندیشه و هنر ایرانی

در ایران، چنین به نظر می‌رسد که همراه باور کهن به خدای بانوان باروری و فراوانی، پرستش خدای مار هم از هزاره چهارم تا هزاره اول پ.م رایج بوده است (گدار، ۱۳۷۷، ۱۵).

۱.۵. باکون: بر بدن پیکره‌های سفالین ایزدبانوان که از تل باکون الف در آغاز هزاره چهارم پ.م. یافت شده، خطوط موج مارگونی به رنگ سیاه یا قهوه‌ای دیده می‌شود که می‌تواند نمایانگر امواج آب یا نقش مار برای بیان باروری باشد. بر روی ظرف‌های سفالی نیز مارهای پیچان، بسیار تصویر شده‌اند (تصویر ۲۰).

۲.۵. چغامیش: در اثر مهری یافت‌شده از هزاره سوم پ.م. در تپه چغامیش، نقش انسان مار به دستی به چشم می‌خورد که بر روی شیری ایستاده است. مارهای پیچان را بر روی مهر دیگری از این تمدن می‌توان دید. نقش مار بر روی آب‌خوری‌های چغامیش، نشان از همبستگی دیرینه او با خدای بانوان ناظر بر آب‌ها دارد (تصویر ۲۱).

۳.۵. سسیلک: بر روی بسیاری از سفالینه‌های دوره دوم سیلک، نقش مارهایی دیده می‌شود که روی نوک دم ایستاده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۶). نقش مار در دوره سوم به دو شیوه نمایش داده می‌شود: یا فقط به شکل خزنده طویلی که تمام طول دهانه ظرف را تزیین کرده است و سر و دم آن به هم رسیده‌اند، یا این که به صورت مجموعه‌ای از مارهای چنبره‌زده

با مارهایی در دست تصویر شده (تصویر ۱۷) و بعدها مارها، ایزدانی را که جانشین او شدند همراهی می‌کردند (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). پیکره‌های کوچک ایزدبانوی ماری مانند پیکره به‌دست آمده از کتوسوس، گاه به قدری کوچکند که فقط به عنوان طلسم و بت می‌توانسته‌اند به کار آیند (گاردنر، ۱۳۷۴، ۱۰۷).

در کرت، مار به ندرت یافت می‌شود و آیین پرستش مار باید از سرزمینی دیگر بدانجا راه یافته باشد. شکل مخروطی هیکل خدای بانو و ابروان کماتیش، یادآور خویشاوندی این پیکره‌ها با هنر میان‌رودان است (جتسن، ۱۳۶۸، ۷۰).

در هنر میستی نیز مار نقش برجسته‌ای دارد. بر روی جواهری از ۱۵۰۰ پ.م، ایزدبانویی با سینه برهنه دو مار را چون تاجی بر بالای سر نگاه داشته است. نقش کردن مار پیچان بر روی سفال و ساخت ظروفی به شکل مار چنبره‌زده نیز در هنر میستی رایج است (تصویر ۱۷). آسکلپیوس در اساطیر یونان خدای پزشکی و درمان است که دور چوب‌دستی او ماری پیچیده (Grimal, 1996, 62). این مار پیچان به دور عصا، امروز به نمادی برای داروخانه‌ها بدل شده. در داستان‌های بعدی، آسکلپیوس به‌دست زئوس کشته می‌شود، زیرا



تصویر ۱۷- بالا: کرت، یابین: میسن، ماخذ: (موزه آتن و موزه هراکلیون)



تصویر ۱۹- مدوسا، ماخذ: (موزه باستان‌شناسی کورفو)

تصویر ۱۸- آسکلپیوس و هوگیا، ماخذ: (موزه باستان‌شناسی استانبول)

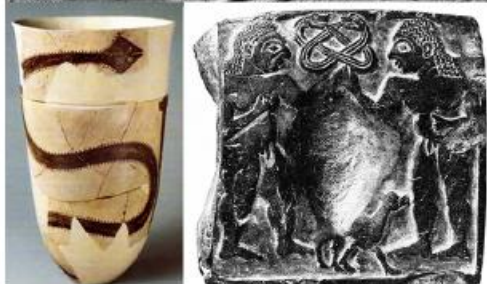
گیسوان بلند از هزاره پنجم پ.م است که دو مار بزرگ را در دست دارد. حضور مار بر روی آب‌خوری‌های هزاره چهارم پ.م. شوش، یادآور نقش او در نگهبانی از آب‌هاست. در این دوران، نقش مار بر روی نخستین مهرهای این منطقه نیز دیده می‌شود. بر سفالینه‌ای از ۳۳۰۰ پ.م از شوش در دو سوی درختی، یک ایزدبانو و یک مار ایستاده‌اند. مار بر روی دسته تنگ‌های آب‌خوری شوش II (۳۰۰۰ پ.م) نیز حضور دارد. بر روی سنگ‌نگاره‌ای از پایان هزاره چهارم پ.م، دو نیایشگر برهنه دیده می‌شوند. در میان آنها و بر فراز دستانشان، ماری با دو سر در خود پیچیده است.

نمونه دیگری از ارتباط مار با ایزدبانوان، تندیس سفالین از پایان هزاره سوم پ.م از شوش است. بانویی که ماری پیچیده بر گرد بدن خود دارد و سر مار بر سینه او قرار گرفته است.

خدایان مارتن که نیمه‌مار نیمه‌انسان نمایانده می‌شوند، از نقش‌مایه‌های کهن تمدن عیلام‌اند که هم‌زمان در میان‌رودان نیز دیده می‌شوند. بر یک نقش مهر از عیلام قدیم، مار خدایی در برابر آتشدانی با آتش زبانه‌کشیده ایستاده. او به نشانه نیروی ایزدی کلاهی شاخ‌دار بر سر دارد و شاخه گیاهی را بر بالای آتش مقدس نگه داشته است. در بالای آتشدان، هلال ماه به چشم می‌خورد. مهر دیگری از این دوران، نشانگر پرستش‌گری است که برابر در نیایشگاه روبروی مارخدا ایستاده است (تصویر ۲۳).

در نقش برجسته کورانگون از ۲۱۵۰ پ.م نیز دو شخصیت اصلی تصویر، یک خدایی نشسته بر سریر مار و دیگری خدای بانویی مار به دست‌اند. هر دو آنها تاج شاخ‌دار بر سر دارند. همین خدای نشسته بر سریر مار بر روی نقشی از دوره سوکالماخ (۱۹۰۰ - ۱۶۰۰ پ.م) هم تصویر شده است.

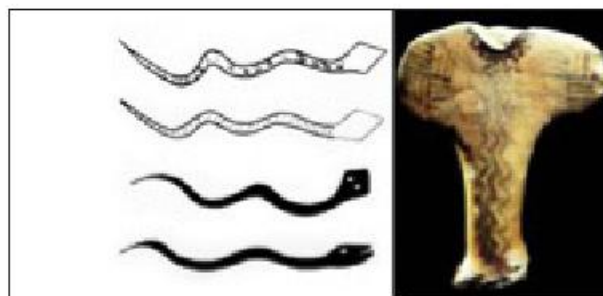
شخصی که در سنگ‌نگاره‌ای از شوش ۱۷۰۰ پ.م بر تخت مار نشسته، باید ایزدبانو باشد. او بر دستان نیایشگری که پیش رویش ایستاده آب می‌افشاند (تصویر ۲۴). گرد سر تندیس خدایی از پایان دوره سوکالماخ در شوش که بر ارابه نشسته، ماری چنبره زده است.



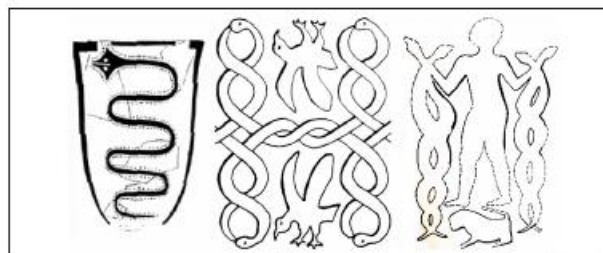
تصویر ۲۳- عیلام کهن.
ماخذ: (موزه لوور)

(گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۷). تکرار انگاره مار بر روی ظرف‌هایی که برای نوشیدن به کار می‌روند، اشاره‌ای دیگر به نقش احتمالی مار در قالب نگهبان آب است (تصویر ۲۲).

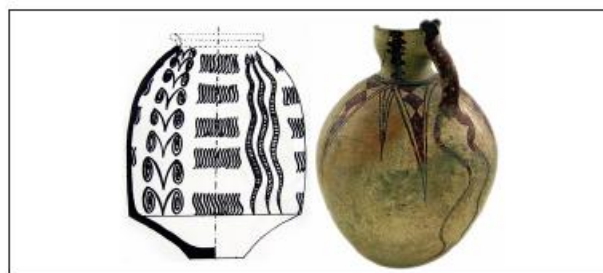
نقش مار بر کوزه‌های آب، نشانگر همبستگی‌اش با برکت و بارندگی و پاییدن آب است. ما هنوز مار را نگاهبان گنج‌ها می‌دانیم، در ایران کهن نیز مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانسته‌اند (بهار، ۱۳۷۷، ۴۶).
۴.۵. عیلام: همبستگی پرستش خدای بانوان و تقدس مارها، با بررسی آثار بازمانده از تمدن عیلام استحکام بیشتری می‌یابد. بر سفالینه‌های هزاره سوم و چهارم پ.م. شوش، نقش‌های پیچیده مار بسیار دیده می‌شود. نقش مار روی در کوزه‌ها و سرپوش ظرف‌ها، به نشانه نگهبان پدیدار می‌شود. مار، گرد ظرف‌های آیینی می‌پیچد، دسته ابزارهایی چون تیر، عصا و چوگان شاهی را می‌سازد و به صورت مارپیچی ایستاده سریر شاهان و خدایان را تشکیل می‌دهد. از دیگر نقش‌های کهن عیلامی، ماری است که به دور درخت زندگی پیچیده. نماد باروری عیلامی که دو مار در حال جفت‌گیری است، به مصر نیز راه می‌یابد. تصویر مار با سر انسان، نشان‌دهنده جنبه خدایی اوست (هیتز، ۱۳۷۱، ۴۷). از کهن‌ترین نمونه‌های بازنمایی مار در شوش، نقش ایزدبانویی با



تصویر ۲۰- تل باکون.
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۱- جغامیش.
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۲- سیلک.
ماخذ: (موزه ملی ایران)

در این یادمان از ۱۳۰۰ پ.م دو مار دیگر هم به چشم می‌خورد، یکی از آنها به صورت چتره زده، تخت خدا را شکل می‌دهد و دیگری در دستان خدا جای دارد.

۵.۵. جیرفت: مار در هنر جیرفت به شمار بسیار و شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. با بررسی ظرف‌های سنگ صابونی جیرفت می‌توان مار را مهم‌ترین الگوی هنری این تمدن برشمرد. در این‌جانب خدای مارتن به بیان ویژه هنرمندان جیرفتی نقش گردیده (تصویر ۲۵). نقشی که بر روی این آثار بسیار اهمیت دارد، نقش «پهلوان ایرانی» است که دو جانور را در دست دارد. پیش از یافته شدن تمدن هلیل‌رود، باستان‌شناسان همواره این نقش را گیلگمش می‌خواندند. از آنجایی که گیلگمش تاریخی، پادشاه اوروک در حدود ۲۴۰۰ پ.م بوده است (دست‌کم ۳۰۰ سال پس از تمدن جیرفت)، می‌توان با اطمینان این نقش را پهلوان ایرانی خواند و از انگاره‌هایی دانست که از جیرفت به میان‌رودان برده شده است. در این میان بر روی بسیاری از ظروف، پهلوان، مارهایی بزرگ را در دست دارد. نباید از یاد برد جانورانی که در نمونه‌های پرشمار این بن‌مایه در سراسر تاریخ آسیای باختری دیده می‌شوند (چون گاو، شیر، بز کوهی و مار)، از ستوده‌ترین کهن‌الگوها در اندیشه باستانی مردمان این سرزمین‌اند. به نظر می‌رسد پهلوان از این جانوران سپنته، نیرو یا توانایی می‌گیرد.

دیگر نقش ترکیبی و چرخشی را، مار و شاهین شکل می‌دهند. با توجه به ارتباط آشکار نقوش و بن‌مایه‌های تمدن هلیل‌رود با هنر سومری و باور بسیاری از باستان‌شناسان به این که جیرفت و پهنه تمدنیش می‌توانند همان آرت و مَره‌شی مورد اشاره در نوشتارهای سومری باشند، خوانش متن اسطوره میان‌رودانی اتانا که به زبان بابلی و عیلامی در دست است، می‌تواند کلیدی برای فهم این انگاره باشد. در این داستان به دشمنی میان عقاب و مار اشاره شده. عقاب برخلاف سوگندی که نزد شمش خدای خورشید یاد کرده، بچه مار را می‌بلعد. مار با راهنمایی شمش در لاشه یک گاو نر پنهان می‌شود. هنگامی که عقاب برای خوردن از لاشه به درون آن می‌رود، مار از او انتقام می‌گیرد (Dalley, 2000, 189).

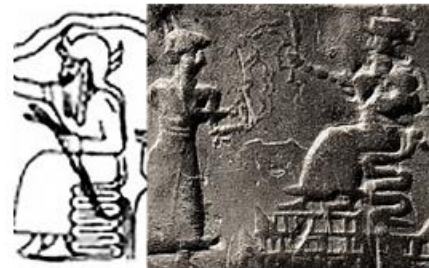
بر روی ظرف‌های جیرفت، نقش دیگری نیز از جدال مار با پلنگ به چشم می‌خورد که نگارنده هنوز سندی برای تفسیر آن به دست نیاورده است. تصاویر دو مار پیچیده در هم را نیز می‌توان نمادی برای باروری دانست. مار در جیرفت نیز به سبب نقش کهنش برای نگهبانی از آب، دور آب‌خوری‌ها و تنگ‌ها حلقه زده است.

دیگر نشانه همبستگی مار با آب‌ها در اندیشه مردمان جیرفت، نقش خیال‌با فانه و دل‌انگیزی است از ابرهای آبستن بارانی که به هنگام بارش به سان مارهایی پیچان بر زمین و بر دوش گاو (مظهر و نماینده زمین) می‌ریزند. این نقش را می‌توان سندی محکمی برای فهم معنای نمادین مار دانست.

یک نمونه بی‌همتای دیگر، کوزه‌ای است که ایزدانویی سر از آن بیرون آورده و مار در دو سوی آن به نگهبانی ایستاده. نقش موج‌های آب بر روی کوزه معنای کهن‌الگویی این ترکیب رانیرویی افزون می‌بخشد. آثار ارزشمند دیگری که از تمدن هلیل‌رود به جا مانده، تخته‌های

اثر مهری از عیلام میانه، ایزدانی را تصویر می‌کند که مار در دست دارند یا دستانشان به شکلی مارگون کشیده شده است. یکی از آنان مار (یا دستان مارگونه‌اش) را بر فراز نیایشگاهی (شاید برای پاسداری آن از نیروهای اهریمنی) گسترده است. از دوره اونتاش‌گال (۱۲۵۰ پ.م)، تندیس خدایی به دست آمده که دو مار در دست دارد و ماری نیز به گرد سرش حلقه زده است. نقش برجسته دیگری انسانی را نشان می‌دهد که سه مار بر بالای سرش به نگهبانی ایستاده‌اند. مار را به سان دسته عصا یا شمشیر نیز در عیلام می‌توان دید.

بر روی مهرهای عیلام میانه هم مار بسیار دیده می‌شود. گاه به سان ایزدی که مارها از شان‌اش سر زده‌اند، گاه چون ایزدی سوار بر پشت مار و گاه به همان شکل رایج ایزد مارتن. نقش اصلی سنگ یادمان اونتاش‌نایریشا نیز مار است. دورادور نقش برجسته را دو مار بزرگ پوشانده‌اند (Miroshedji, 1981, 8).



تصویر ۲۴- عیلام کهن. ماخذ: (راست: موزه لوور، چپ: طراحی از کتیبه کورانگون)



تصویر ۲۵- جیرفت. ماخذ: (موزه ملی ایران)

را می‌توان در کف ظرف‌های مفرغین این تپه دید. از باورهای کهن درباره مار، نگهبانیش از گنج‌هاست. نقش ماری چتره‌زده بر روی یک گوهردان شهداد شاید با همین اندیشه تراشیده شده باشد.

۷.۵. لرستان: در میان آثاری که از لرستان هزاره دوم و اول پ.م یافت گردیده، ستجاق‌سرهایی با نقش رام‌کننده یا پهلوان به‌چشم می‌خورد که به هر دست ماری را نگه داشته است. این انسان یا ایزد با تاج شاخ‌دار را بر نقش مهرهای این منطقه نیز می‌توان باز یافت. مار بر روی تبرهای مفرغی لرستان و در دست ایزدبانویی بر ستجاقی از ۱۲۰۰ پ.م هم دیده می‌شود (تصویر ۲۸).

۶. مار در ادیان تاریخی آریاییان و سامیان

در اندیشه و اساطیر دینی سامیان، مار جانوری نکوهیده است که به یاری شیطان بر می‌خیزد تا آدم و حواریا در بهشت به سرپیچی از فرمان خداوند اغوا نماید و خدا بدین گناه او را نفرین می‌کند: «پس خداوند خدا به مار گفت: چون که این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون‌تر هستی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد، و عدلوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید» (پیدایش، باب سوم، ۱۴ و ۱۵).

ادیان آریایی نیز مار را اهریمنی می‌خوانند. در پشت‌هاژی (مار) چنین توصیف می‌شود: «آن دیو بسیار زورمند دروچ، آن دروند آسپهرسان جهان، آن زورمندترین دروچی که اهریمن برای تباه کردن جهان اشه به پتیارگی در جهان استومند بیافرید» (یستا، هات ۹، بند ۸).

اژی‌دهاک (ضحاک) در شاهنامه نیز برگرفته از همین موجود پلید است و مار بر شانه دارد.

بر پایه متون مقدس زرتشتی از جمله شرط‌های پذیرش توبه و طلب آمرزش برای گناهان بزرگ، کشتن مار است. این جاندار اهریمنی در ریگودا، اهی نامیده شده که در کوه مسکن دارد و دیوان یاریش می‌کنند. او با هزاران پیچ‌وتاب بر فراز کوه راه ابرهای باران‌زار را می‌بندد و عامل خشکسالی است. ایتدره نیرومند با این مار نبرد کرده او را می‌کشد.



تصویر ۲۸- لرستان. ماخذ: (موزه ملی ایران)

بازی ظریفی است که خانه‌هایشان با چرخش مارهایی که دم خود را به دهان گرفته‌اند شکل می‌گیرد. با توجه به ارتباط مار با جاودانگی در اندیشه مردمان خاور باستان، انگاره ماری که دم خود را به دهان گرفته، غالباً اشاره‌ای است به زمان بی‌کرانه و ذات چرخشی و دوره‌ای زندگی، از این رو نقش آن بر روی یک بازی وابسته به بخت و احتمال می‌تواند نمادی باشد از بی‌پایانی چرخه زندگی و بازی زمانه.

یک تخته بازی همسان از همین دوره در شهر سوخته یافت شده که با چوب آبتوس ساخته شده است (تصویر ۲۶). این آثار که حدود دو سده پیش از تخته بازی اور III و سه سده پیش از تخته بازی مصری یافته‌شده، از گور آمتهوتپ سوم ساخته شده‌اند را می‌توان کهن‌ترین نمونه‌های تخته بازی در جهان دانست.

۶.۵. شهداد: مهم‌ترین اثر یافته‌شده در شهداد از نیمه هزاره سوم پ.م را می‌توان پرچمی مفرغین دانست که کهن‌ترین پرچم جهان نامیده شده است. نقش اصلی آن، ایزدبانویی نشسته بر سریر است که چهار نیایشگر گردش حلقه زده‌اند. چهار زوج از مارهای درهم تنیده در بالا و پایین این تصویر دیده می‌شوند که دیگر بار به وابستگی مارها و ایزدبانوان در اندیشه مردمان کهن این سرزمین اشاره دارد (تصویر ۲۷).

روی سفالینه‌های بزرگ شهداد که برای نگهداری آب یا غلات به کار می‌رفته‌اند نیز مار حضور دارد. همچنین مارهای حلقه‌زده



تصویر ۲۶- بالا: جیرفت، پایین: شهر سوخته. ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۷- شهداد. ماخذ: (موزه ملی ایران)

نتیجه

مار در اندیشه و ادیان مردمان خاور باستان، بارها چهره‌های مقدس می‌یابد یا در کنار ایزدان و ایزدبانوان قرار می‌گیرد از جمله در میان رودان با نام: تیامت، لخمو و لخممو، نین‌گیش‌زیدا، مامی و استارت‌ته؛ در مصر با نام آتوم، اوزیریس، کادش، رنه نوتت، واجت، نهپ‌کا و مرت سه‌گر؛ و در هند با نام ناگا، ماناسا، واسوکی و سشا. بیشتر فرهنگ‌های باستانی مار را جاوید یا درمان‌گر می‌دانند. پژوهش بر روی آثار یافت‌شده از تپه‌های باستانی ایران که نقش انسان مار به‌دست دارند، این فرض را مطرح می‌کند که شاید او خدا یا خدای بانویی است که مارهایی را به نشانه جاودانگی یا باروری

مار در اندیشه و ادیان مردمان خاور باستان، بارها چهره‌های مقدس می‌یابد یا در کنار ایزدان و ایزدبانوان قرار می‌گیرد از جمله در میان رودان با نام: تیامت، لخمو و لخممو، نین‌گیش‌زیدا، مامی و استارت‌ته؛ در مصر با نام آتوم، اوزیریس، کادش، رنه نوتت، واجت، نهپ‌کا و مرت سه‌گر؛ و در هند با نام ناگا، ماناسا، واسوکی و سشا. بیشتر فرهنگ‌های باستانی مار را جاوید یا درمان‌گر می‌دانند. پژوهش بر روی آثار یافت‌شده از تپه‌های باستانی ایران که نقش انسان مار به‌دست دارند، این فرض را مطرح می‌کند که شاید او خدا یا خدای بانویی است که مارهایی را به نشانه جاودانگی یا باروری

فهرست منابع

- Press, New York.
- Dowson, John (2003), *Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion, Geography, History*, Kessinger Publishing, Montana.
- Elgood, Heather (2000), *Hinduism and the Religious Arts*, Cassell, London.
- Erman, Adolf, Hermann Grapow (1963), *Wörterbuch der ägyptischen Sprache*, Akademie Verlag, Berlin.
- Frankfort, Henri (1955), *Stratified Cylinder Seals from the Diyala Region*, Oriental Institute Publications 72, University of Chicago Press, Chicago.
- Graves, Robert (1955), *The Greek Myths*, Penguin Books, London.
- Grimal, Pierre (1996), *The Dictionary of Classical Mythology*, Wiley Blackwell, New Jersey.
- Hart, George (2005), *Dictionary of Egyptian gods and goddesses*, Routledge, London.
- Jones, Constance (2007), *Encyclopedia of Hinduism*, Info base Publishing, New York.
- Jordan, Michael (2002), *Encyclopedia of Gods*, Kyle Cathie Limited, London.
- Kerenyi, Karl (1959), *The Heroes of the Greeks*, Thames & Hudson, London.
- Miroschedji, P (1981), Le dieu élamite au serpent et aux eaux jaillissantes, *Iranica Antiqua*, No 16, pp. 2-28.
- Pinch, Geraldine (2003), *Egyptian mythology, a guide to the gods, goddesses, and traditions of ancient Egypt*, Oxford University Press, New York.
- Potts D. T (1999), *The Archaeology of Elam, Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, Cambridge World Archaeology, Cambridge University Press.
- Price, Ira Maurice (1900), Notes on the Pantheon of the Gudean Cylinders, *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, Vol. 17, No. 1, pp. 47-53.
- Thorkild, Jacobsen (1968), The Battle between Marduk and Tiamat, *Journal of the American Oriental Society*, No 88, pp. 104-108.
- Wilkes, J. J (1992), *The Illyrians*, Blackwell Publishing, New Jersey.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۲)، *اساطیر هند*، مترجم باجلان فرخی، نشر گلشن، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، چشمه، تهران.
- بیانی، م (۱۳۷۵)، *تاریخ مهر در ایران*، یزدان، تهران.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۵۶)، *یشت‌ها*، ج ۱ و ۲، دانشگاه تهران، تهران.
- جنسن، ه. و. (۱۳۶۸)، *تاریخ هنر*، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات کتیبه، تهران.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌های نمادها*، مترجم رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، مترجم احمد آرام و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۱)، *کهن‌الگوی شیر در ایران*، میان‌رودان و مصر باستان، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۹، صص ۸۲ - ۹۲.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۲)، *ایزدبانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲)، انتشارات ایلام، چاپ سوم.
- کویر، جی. سی (۱۳۷۹)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، مترجم ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران.
- گاردنر، هلن (۱۳۷۴)، *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات نگاه، تهران.
- گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، مترجم بهروز حبیبی، انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، *سیلک کاشان*، ترجمه اصغر کریمی، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد اول، تهران.
- ویو، ژ. (۱۳۸۱)، *اساطیر مصر*، مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات کاروان، تهران.
- هینتز، والتر (۱۳۷۱)، *دنیای گمشده عیلام*، مترجم فیروز فیروزنیا، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
- Assmann, J (1995), *Egyptian Solar Religion in the New Kingdom*, Routledge, London.
- Collon, Dominique (1995), *Ancient Near Eastern Art*, University of California Press, California.
- Coomaraswamy, Ananda K (2001), *Myths and Legends of the Hindus and Buddhists*, Advaita Ashrama, Kolkata.
- Dalley, Stephanie, ed (2000), *Myths from Mesopotamia. Creation, The Flood, Gilgamesh, and Others*, Oxford University